# امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام و خدمات فرهنگی

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام و خدمات فرهنگی، دکتر ناصر رفیعی
گفتگویی روزنامه قدس با دکتر ناصر رفیعی
به نقل از http: //www. qudsdaily. com/archive/1390/html/1/1390 - 01 - 31/page4. html

## مقدمه

امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام روز یازدهم ذیقعده سال 148 ق. در مدینه متولد شد. نام مادرش «تُکْتَم» بود که بعد از تولد حضرت، از طرف امام کاظم عَلَیْهِ‌السَّلَام طاهره نام گرفت. نام مادر حضرت را «نَجْمَة» نیز گفته‌اند. نقش انگشتری آن حضرت «مَا شَاءَ اللَّه وَ لَا قُوَّةَ الاّ بالله» بوده است.
اسم حضرت: علی، کنیه: ابوالحَسَن الثانی، لقب: رضا، شروع امامت: سال 183 در سن 35 سالگی. مدت امامت: 19 یا 20 سال. فرزندان: دو پسر به نام جواد عَلَیْهِ‌السَّلَام فرزند دیگر به نام حسین. رافعی می‌نویسد:
امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام در سفری به قزوین آمده، در خانه داوود بن سُلَیْمَان مخفی شده است وی از امام نقل کرده است:
«فرزندی از حضرت که دو سال یا کمتر داشته در قزوین مدفون است.» این همان امامزاده حسین است که اکنون در قزوین بارگاهی دارد. به احتمال، این مسافرت در سال 193 ق. مقارن با مرگ رشید صورت گرفته است. [1].
شهادت: امام تا سال 201 ق. در مدینه بود، در رمضان آن سال وارد مَرو شده و در سن 55 سالگی، آخر صفر سال 203 ق. به علت خوردن انگور مسموم - به اجبار مأمون - مسموم شده و در طوس به خاک سپرده شد.

## خلفای معاصر امام عَلَیْهِ‌السَّلَام

ده سال از مدت امامت حضرت با هَارُون الرَّشِید (193 - 183).
پنج سال با مُحَمَّد امین پسر هَارُون (198 - 193).
ده سال با عَبْداللَّه مأمون پسر دیگر هَارُون (218 - 193) که با برادرش جنگید.
امام در حدود 20 سال از مأمون بزرگتر بود.

## افکار بیگانه در عصر رَضَوِی

ترجمه آثار علمی بیگانگان از زمان امویان شروع شد و در عصر عباسیان به ویژه در زمان هَارُون و مأمون به اوج خود رسید. (همان گونه که در این زمان وسعت کشور اسلامی به بالاترین حد خود در طول تاریخ رسید) مأمون نامه‌ای به پادشاه روم نوشت و مجموعه‌ای از علوم قدیم و آثار اَرَسْطو را درخواست کرد و جمعی از دانشمندان مانند «حجاج بن مَطَر» و «ابْن بِطْرِیق» و «سلما» سرپرست «بیت الحکمة» کتابخانه بزرگ بغداد را مأمور ترجمه آنها نمود.
«خالد بن یزید »، طب و شیمی را (می خواست از راه شیمی طلای مصنوعی به دست آورد) «حنین بن اسحاق» بعضی از کتب سقراط و جالینوس را، ابن مُقَفَّع، کلیله و دمنه و همین طور کتاب اِقْلِیدُس را، به عربی برگرداندند. خود مأمون نیز ترجمه می‌کرد. یعقوب ابن اسحاق کندی که در طب، فلسفه، حساب، منطق، هندسه و نجوم خبره بود و در تألیفات خود از روش اَرَسْطو پیروی می‌کرد، بسیاری از کتاب‌هایِ فلسفه را به عربی برگرداند و مشکلات آن را توضیح داد.
کسانی را به قُسْطَنْطَنِیَّة فرستاد تا کتاب‌هایِ کمیاب فلسفه، هندسه، موسیقی و طب را بیاورند. مُحَمَّد بن موسی خوارزمی - ریاضی دان بزرگ - جبر را از حساب جدا کرد. «دار الحکمه» کتابخانه بزرگی بود که به احتمال قوی هَارُون آن را بنیانگذاری و مأمون تقویت کرد و همچنان باقی بود تا بغداد به دست مغولان افتاد. آنان که از تمدن و فرهنگ بویی نبرده بودند آن را به آتش کشیدند.

## امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام و هجوم فرهنگی بیگانه

به دنبال نهضت ترجمه آنچه مایه نگرانی بود اینکه در بین این مترجمان افرادی متعصب و سرسخت از مذاهب دیگر مانند زردشتی، صائبی، نَسْطُوری، برهمن‌هایِ هند، رومیان وجود داشتند و این فرصتی بود برای نشر افکار مسموم خود و القاء آن به جوانان و افراد ساده دل و همین طور محتوای خود این کتب نیز می‌توانست شبهاتی به همراه داشته باشد.
امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام با آگاهی از این خطر و با حضور فعال در جلسات بحث‌هایِ علمی که توسط مأمون برگزار می‌شد، سعی کردند جلو هرگونه انحراف احتمالی را بگیرند و برتری اهل بیت عَلَیْهِمُ‌السَّلَام را نشان دهند. [2].

## هدف مأمون از برگزاری بحث‌هایِ علمی

در اینجا چند عقیده وجود دارد. از جمله:
الف) اینکه هدف محکومیت امام بود. دلیلش اینکه مأمون به «سُلَیْمَان مَرْوَزِی» گفت:
هدف من از برگزاری جلسه بحث چیزی جز این نیست که راه را بر او - امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام - ببندی. [5].
شاهد دیگر کلام امام که فرمود:
هنگامی که با اهل تورات به تورات‌شان، با اهل انجیل به انجیل‌شان، با اهل زبور با زبور‌شان، با ستاره پرستان به شیوه‌یِ عبِرانی‌شان، با موبدان به شیوه پارسی‌شان با رومیان به سبک خود‌شان استدلال کرده همه را به تصدیق سخن خود وادار کنم، مأمون خواهد فهمید که راه خطا را برگزیده و یقیناً پشیمان خواهد شد. [4].
آنچه این احتمال را تقویت می‌کند آن است که دربار مأمون تا پیش از شهادت امام، پیوسته محل برگزاری این مناظره‌ها بود؛ ولی پس از آن دیگر اثری از این مجالس علمی و بحث‌هایِ کلامی دیده نشد وقتی این محافل در از میان بردن شخصیت امام ناکام ماند، مأمون در اندیشه حذف فیزیکی امام فرو رفت و سرانجام ایشان را مسموم ساخت.
ب) مأمون خود، آدم بی‌فضلی نبود و تمایل داشت به عنوان یک زمامدار عالم در جامعه‌یِ اسلامی معرفی گردد و مورد توجه قرارگیرد. او شهرت به علم دوستی داشت و فیلسوف خلفای عباسی شناخته می‌شد. [5].

## مناظرات امام عَلَیْهِ‌السَّلَام با پیروان ادیان

این مناظرات فراوان است و شَیخ صدوق در «عُیُون اَخْبار الرِّضَا» و علامه مجلسی در جلد 49 بِحارُ اَلاَنْوَار و استاد عزیزالله عُطَارِدی در کتاب مسند الامام الرضا جلد دوم آورده‌اند مهمترین این مناظرات عبارت است از:
1. مناظره با جَاثَلِیق (این کلمه لقب پیشوای عیسویان بود.)
2. مناظره با رَأس الْجَالُوت (این کلمه لقب پیشوای یهود بود.)
3. مناظره با هِرْبِذ اکبر (این کلمه لقب پیشوای زردشتی بود.)
4. با عمران صائبی (از پیروان حضرت یحیی عَلَیْهِ‌السَّلَام)
5. با سُلَیْمَان مَرْوَزِی؛ وی عالم بزرگ علم کلام در خطه‌یِ خراسان بود.
6. علی بن مُحَمَّد بن جَهم؛ ناصبی و دشمن اهل بیت.
7. مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره.

## تدوین حدیث در عصر امام عَلَیْهِ‌السَّلَام

### اشاره

امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام نیز پیروان و خواص خویش را امر به تدوین علم و احادیث می‌نمود. در مصادر روایی، کتبی به حضرت نسبت داده شده است و جزء مؤلفات حضرت آورده‌اند از جمله:

### صحیفة الرضا (ع)

این کتاب را «مسند الامام الرضا» نیز نامیده‌اند و بسیاری از روات فَرِیقَیْن این را نقل نموده و در بعضی از مصادر، اسامی بعضی از روات آن آمده است و نسخه‌هایِ متعدد از آن در «صَنْعَاء» و در «قم» تحت عنوان «کتاب ابن ابی الْجَعْد» که کنیه «احمد بن عامر بن سُلَیْمَان الطائی» است، در تهران و مشهد وجود دارد. [6].

### الرسالة الذَهَبیة

رساله‌ای در مسائل طبّی که امام به درخواست مأمون نوشته است و مأمون دستور داد آن را با آب طلا بنویسند. لذا رساله ذَهَبِیَّة نامیده شد. [7].

### مجالس الرضا (ع) مع اهل الایمان

مأمون مجالس علمی و مناظرات دینی و علمی بین امام و علماء ادیان دیگر برقرار می‌نمود. امام عَلَیْهِ‌السَّلَام نیز فرصت را غنیمت شمرده و حقانیت، تَشَیُّع و اسلام را به اثبات می‌رساند و اعتقادات دیگران را با استدلال رد می‌نمود که بعداً یکی از پیروان امام آن مجالس را گردآوری نمود. نَجَاشِی می‌گوید:
«حسین بن مُحَمَّد بن الفَضْل … ابو مُحَمَّد شَیخ من الهاشمیین، ثقة، … صنّف مجالس الرضا عَلَیْهِ‌السَّلَام مع اهل الادیان.»

### امالی الامام الرضا (ع)

این صحیفه را «ابوالحَسَن علی بن علی الْخُزَاعِی» برادر شاعر بزرگ شیعی یعنی دِعْبِل خُزاعِی نقل کرده است. شَیخ طوسی به همین سند از این کتاب روایت نقل نموده است.
محقق بزرگوار سید مُحَمَّد رضا جلالی حسینی احتمال داده است که این همان کتابی باشد که نَجَاشِی آن را ذکر کرده است. در مقدمه اَلْمُعْجَمُ المُفَهْرَس الالفاظ احادیث البحار 20 مورد از تألیفات امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام را نام می‌برد. [8].

### کتاب الاهلیلجة

علامه سید محسن امین فرمود:
«فیه حجج بالغة و مطالب جلیلة فی علم الکلام» کتب دیگری نیز برای امام شمرده‌اند که عبارت است از: کتابی که وریزة بن مُحَمَّد روایت کرده. کتابی به روایت علی بن مهدی، نسخه متبوعه بزرگی به روایت مُحَمَّد بن عَبْداللَّه و نسخه‌هایِ دیگر و «مسائل» به روایت معاویه بن سعید و «مسائل» به روایت حَسَن بن علی الْوَشَّاء و مسائل و کتب دیگری که در مجموع به بیست نسخه می‌رسد.
البته برخی در صحت انتساب این کتب به امام تردید کرده‌اند از جمله: دکتر مجید معارف می‌گوید:
«برخی از محققان آثاری به امام نسبت داده‌اند، از جمله: فقه رَضَوِی، رساله ذَهَبِیَّة در طب، رساله محض الاسلام، پاسخ به مسائل ابن سنان و کتاب علل ابن شاذان که انتساب آنها مورد تردید است.» و در این باره ارجاع داده است به تحلیلی از زندگانی امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام از مُحَمَّد جواد فَضل الله، معرفة الحدیث مُحَمَّد باقر بهبودی، سیرة الائمّه هاشم معروف حسنی و مجموعه آثار نخستین کنگره امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام وی می‌گوید:
آنچه به آنان منتسب گردیده نوعاً از مجعولات غُلات می‌باشد. زیرا شرایط امامان اجازه این امور را به آنان نمی‌داده است. [9].

## شاگردان امام رضا و تدوین حدیث

آیت الله العظمی بروجردی در کتاب جامع الاحادیث می‌فرماید:
«ان عدد الکتب التی جمعت احادیث الشیعه فی زمان الامام الثامن عَلَیْهِ‌السَّلَام وصل الی الاربع مأئة، ثم قام جمع من فضلاء اصحاب الطبقة السادسة من اصحاب الامام الرضا عَلَیْهِ‌السَّلَام فی جمیع هذه الاحادیث الشریفة المتفرقة فی تلک الکتب ثم جمع تلامذتهم الاجلاء من امثال علی بن مهزیار الاهوازی والحسین ابن سعید الاهوازی تلک الاحادیث فی کتابین فکانا مرجعاً لعلماء الشیعة حتی قام ثقة الاسلام کلینی فی تألیف کتابه «الکافی» و الشیخ الصدوق فی کتابه «من لایحضره الفقیه» و الشیخ الطوسی فی کتابه «التهذیب» و «الاستبصار» و بهذا قد جمعت فی هذه الکتب الابعة الجوامع الحدیثیه الاولیة والثانویة باحسن وجه فکانت مرجعاً لعلماء الشیعة فی تلک الاعصار و الامصار و لان جمیع احادیث تلک الاصول اجتمعت فی هذه الکتب الاربعة، قلت المراجعة لتلک الاصول تدریجیاً حتی ترکت.» [10].
در زمان امام رضا عَلَیْهِ‌السَّلَام 20 نفر از اصحاب امام عَلَیْهِ‌السَّلَام کتاب حدیثی تألیف کرده‌اند. از جمله آنان می‌توان از حسین بن سعید (30 کتاب)، صَفْوَان بن یحیی (16 کتاب) و مُحَمَّد بن عُمَر الواقدی (28 کتاب) و موسی بن القاسم (15 کتاب) نام برد. شَیخ طوسی آمار رجال امام را به 318 راوی رسانده است. [11].

## پاورقی

[1] حیات فکری و سیاسی، ص 426.
[2] سیره پیشوایان، ص 509.
[3] سیره، ص 512 و 513.
[4] همان.
[5] حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص 483.
[6] مقدمه اَلْمُعْجَمُ المُفَهْرَس، ص 44.
[7] اعیان الشیعه، ج 2، ص 26 وی می‌گوید:
«له مؤلفان کثیره» بعد هفت مورد را نام می‌برد.
[8] مقدمه اَلْمُعْجَمُ المُفَهْرَس، ص 44 و 45.
[9] تاریخ عمومی حدیث … و مجموعه معارف، ص 313 - 314.
[10] مستدرکات علم رجال الحدیث، ج 1، ص 13.
[11] دروس فی نصوص الحدیثیة، مهریزی، ص 91.